

## بازاندیشی انتقادی مفهوم «توسعه» با تاکید بر ملاحظات معرفتی حکمرانی در ایران

### چکیده:

اصطلاح توسعه به معنای امروزی مفهومی کلان و ذو ابعاد بوده و محصول یک تحول بنیادین اندیشه و عمل تاریخی غرب در نظامات مدیریتی و حکمرانی در دوره بعد از رنسانس در تلقی جدید از خدا و دین و دنیا است، وجود تفاوت های معرفتی در این تلقی با تمدن های دیگر و جهت گیری غربی الگوهای توسعه مبتنی بر این مبانی باعث وجود تعارضات ارزشی در کشورهای هدف و یا به اصطلاح توسعه نیافته شده که به نفی ارزشهای سنتی و فرهنگی این کشورها و متعاقب آن بروز تنش ها و چالش های مختلف در نظامات حکمرانی گردیده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی انتقادی مفهوم «توسعه» با تاکید بر ملاحظات معرفت شناختی حکمرانی در ایران بوده است و در این راستا از روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوا مبتنی بر رویکرد انتقادی بهره گیری شده است. سوال اصلی این پژوهش بدین صورت قابل طرح است که «بر اساس پژوهشهای پیشین چه انتقاداتی به مفهوم توسعه با توجه به اقتضائات ایرانی اسلامی حکمرانی وارد است؟». در بخش یافته ها مولفه های انتقادی پارادایم «توسعه» با تاکید بر ملاحظات معرفتی حکمرانی در ایران در چهار محور «بازاندیشی انتقادی فرهنگی اجتماعی»، «بازاندیشی انتقادی اقتصادی»، «بازاندیشی انتقادی سیاسی» و «بازاندیشی انتقادی فلسفی الهیاتی» شامل موارد قرار گرفتن علم اقتصاد بعنوان متولی برنامه ریزی اجتماعی برای انسان (بجای فلسفه)، جهانی شدن، سنت زدایی، یکنواختی فرهنگی، خطی فرض کردن توسعه، داعیه معرفت انسان و اصل ترقی و پیشرفت بی حد و حصر، زمزمه شکاکانه طرد و تخطئه انواع صور دین، نفی جامعه سنتی، مصرف گرایی، افزایش سطحی نگری، حس شدن فرهنگ، عرفی شدن، فرد گرایی اخلاقی، نسبی گرایی اخلاقی و ... طرح گردیده است.

**کلید واژه ها:** توسعه، حکمرانی، خط مشی گذاری عمومی، پیشرفت، آینده پژوهی

## ۱- مقدمه

توسعه قبل از هر تعریف و شاخصی، با برنامه و برنامه ریزی تعریف می شود و بخشی از ادبیات توسعه در کشورهای مختلف با عناوین برنامه و برنامه ریزی عجین شده است. پژوهش های انجام گرفته در طی این سالها باعث تولید متون تئوریکی گردیده است که دیدگاهها و نظرات ارائه شده در آنها، دارای تعدد، تنوع و از مناظر گوناگونی میباشد؛ این عدم انسجام و تنوع موضوعی پرداخت به موضوع در زمینه نقد و ارزیابی برنامه های توسعه، موجبات ابهام و سرگشتگی پژوهشگران این حوزه را باعث گردیده و همچنین، فهم صحیح از حدود و ثغور این مطالعات را با مشکلاتی همراه کرده است. یکی از مناظری که برنامه های توسعه قابل نقد و بررسی می باشند، معرفت شناختی و پیشفرض های حاکم بر این برنامه ها و سیاست هاست. این پیش فرض ها در یک دستگاه فکری معرفی می شوند که امروزه تحت عنوان «پارادایم علم» مشهور است. چنانچه ارزیابی برنامه ها را بتوان در این سطح انجام داد، گفتمان نظری حاکم بر برنامه ها شفاف خواهد شد و انسجام نظری برنامه، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. (ایمان، ۱۳۹۲)

در بررسی مقوله توسعه نیازمند توجه به مکاتب موجود و بسترهای نظری مربوطه میباشیم و از منظر مکاتب موجود نیز میتوان به توسعه نگریست. مکتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی از مکاتب اصلی در این زمینه میباشند که برنامه ها و سیاستهای توسعه در کشور را میتوان در بستر این مکاتب مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. هر کدام از این مکاتب فکری به رغم انتقادات جدی بر آنها در سالهای پایانی قرن بیستم همچنان پویا و فعال هستند و هر سه مکتب با تأمل پیرامون انتقادات و تجدیدنظر و بازسازی در نگرش اولیه خود به حیاتی دوباره دست یافته اند. (حبیبی مظاهری، ۱۳۹۴)

به منظور نقد و ارزیابی همه جانبه برنامه ها و سیاستهای توسعه بررسی تاریخی وضعیت این برنامه ها در کشور در سالهای اخیر پیش و پس از انقلاب اسلامی ضروری میباشد (آل یاسین، ۱۳۹۲) و شناسایی ضعف ها و قوت های برنامه های توسعه در ایران، به ویژه در سال های پس از انقلاب اسلامی دارای اهمیت بالایی است. (خاندوزی، ۱۳۸۹)

همچنین در پیاده سازی و اجرایی سازی برنامه های توسعه در کشورها برخی موانع و آسیب ها نیز موجود میباشد. به منظور بررسی دقیق مقوله توسعه، بررسی موانع پیش روی تحقق برنامه های توسعه و همچنین علل توسعه نیافتگی کشورها نیز حائز اهمیت میباشد. (ساعی، ۱۳۹۴) آسیب های برنامه های توسعه در محورهای گوناگونی قابل بررسی میباشد. آسیب های معطوف به پیش نیازهای برنامه ریزی، آسیب های مربوط به فرآیند برنامه ریزی، آسیب های مربوط به محتوا و آسیب های مربوط به اجرا از جمله اهم محورها میباشند. (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی،

۱۳۸۸) همچنین توجه به مولفه های بومی و بسترهای فرهنگی و اجتماعی در تدوین و پیاده سازی برنامه ها و سیاستهای کلان توسعه نیز بسیار حائز اهمیت میباشد. (عنبری، ۱۳۹۰)

برنامه ریزی توسعه در هر کشوری باید با توجه به ملاحظات اقتضائی ارزشی و فرهنگی، زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انجام گیرد. از آنجایی که حتی کشورهای مشابه دارای اقتصاد، فرهنگ و نهادهای اجتماعی یکسان نیستند، نمیتوان برای تمام کشورها در قالب رهیافت و روش واحدی برنامه ریزی کرد. باید توجه نمود که در هدف گذاری برای توسعه هر جامعه باید در جستجوی الگوی مناسبی برای توسعه خویش باشد. (خاندوزی، ۱۳۸۹) با وجود انتقادات از تجربه توسعه در ملل پیشرفته، هنوز الگو یا مدل بدیل شناخته شده ای که بتواند به نحوی کارآمد خواسته ها و برنامه های توسعه در کشورهای غیراروپایی را به پیش ببرد، مورد وفاق نیست. این وضعیت، ادبیات اخیر توسعه را به چند دستگی و تفرق کشانده است. در این شرایط ابهام، کشورهای در حال توسعه دو احساس به خود گرفته اند، یکی احساس امید و علاقه برای غالب کردن الگوهای بومی، فرهنگی و منطقه ای خود بر روند توسعه و دوم احساس ناامیدی از یافتن راه حل کوتاه مدت و کارآمد برای انبوه مشکلات فعلی خود است. در هر صورت کشورهای جهان سوم دریافته اند که رشد بی ارتباط با فرهنگ، توسعه آفرین نیست و رشد تقلیدی که به تجربه مدرنیزاسیون کشورهای غربی میپردازد جز به بهای نابرابری و بی عدالتی شدید اجتماعی تحقق نمی پذیرد. (عنبری، ۱۳۹۳)

با توجه به اهمیت الزامات نظری در مطالعات و تدوین برنامه های توسعه، در این پژوهش به دنبال شناسایی چالشهای توسعه از منظر مطالعات داخلی و خارجی در چارچوب نظام معرفتی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران خواهیم بود تا بدین واسطه فهم درستی از آسیب های این حوزه ایجاد نماییم و تجاربی که اندیشمندان و متفکرین سایر کشورها در حوزه مطالعات توسعه مطرح کرده اند را در تدوین الگوهای بومی مدنظر قرار دهیم. برنامه ریزی توسعه در زیست بوم حکمرانی جمهوری اسلامی نیز دارای اقتضائات و الزاماتیست که در این پژوهش ناظر به این اقتضائات تلاش به صورت بندی آسیبها و چالشهای گفتمانی مفهوم توسعه نموده ایم و در نهایت راهکارهایی را در انتها در این زمینه پیشنهاد خواهیم داد

## ۲- بررسی پژوهش های پیشین

مطابق بررسی های صورت گرفته تاکنون پژوهشهایی در زمینه ارزیابی و نقد سیاستها و برنامه های توسعه در ایران به انجام رسیده است که در ادامه به اهم این مطالعات می پردازیم.

در پژوهشی با عنوان «**ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران**» (ایمان، ۱۳۹۲)، برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قالب یک پژوهش کیفی با روش تحلیل محتوا مورد ارزیابی پارادایمی قرار گرفته است. از منظر نویسنده، تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی در هر نظام اجتماعی در تولید و باز تولید هویت ساختاری آن حائز اهمیت است. از طریق این برنامه‌ها، چگونگی دستیابی به اهداف جامعه را می‌توان ردیابی نمود. یکی از راه‌های اعتباریابی برنامه‌های توسعه، ارزیابی نظری و اجرائی آنهاست. شیوه دیگر ارزیابی این موارد، انتقال به سطح پیش فرض‌های حاکم بر نظریات علمی موجود است. این پیش فرض‌ها در یک دستگاه فکری معرفی می‌شوند که امروزه تحت عنوان «پارادایم علم» مشهور است. چنانچه ارزیابی برنامه‌ها را بتوان در این سطح انجام داد، گفتمان نظری حاکم بر برنامه‌ها شفاف خواهد شد و انسجام نظری برنامه، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

در پژوهشی دیگر با عنوان «**جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ**» (عنبری، ۱۳۹۰) که در قالب یک کتاب توسط سازمان انتشارات کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) منتشر شده، به مفاهیم بنیادی توسعه، پارادایم توسعه، پارادایم ضد توسعه، پارادایم پساتوسعه، توسعه انتقادی، توسعه وابسته، رویکرد مدرنیزاسیون بازانديشانه، مکتب تنظیم، توسعه مشارکتی، توسعه پایدار و رویکرد زندگی و توسعه انسانی می‌پردازد.

پژوهشی دیگر در این زمینه با عنوان «**توسعه در مکاتب متعارض**» (ساعی، ۱۳۹۴) بوده که در آغاز، مطالبی درباره توسعه، امکان توسعه، و موانع توسعه درج می‌گردد و در ادامه، در فصل اول، وضعیت توسعه در کشورهای جهان سوم بررسی شده و علت توسعه نیافتگی بیان می‌گردد. در فصل دوم، درباره تفسیرهای کلاسیک توسعه و توسعه نیافتگی مباحثی مطرح گردیده است و در ادامه فصل‌ها به «تئوری‌های قدیم و جدید مکتب نوسازی»، «مفهوم وابستگی»، «مکتب نظام جهانی» و «توسعه در شرایط جهانی شدن» پرداخته شده است که نویسنده معتقد است نظریه‌های توسعه را از جهتی می‌توان به دو دسته نظریه‌های خوش‌بینانه و نظریه‌های بدبینانه تقسیم کرد.

در مطالعه ای دیگر دکتر محمود حبیبی مظاهری ترجمه کتاب «**تغییر اجتماعی و توسعه**» (حبیبی مظاهری، ۱۳۹۴) نوشته سو آلون را به انجام رسانده است. این کتاب با رویکردی تطبیقی، سه مکتب فکری اصلی توسعه در دهه‌های اخیر یعنی مکتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. آلون سو با عنایت به تحولات تاریخی و مکاتب نوسازی و وابستگی، این دو نحله را به دو گروه مطالعات سنتی و جدید تقسیم کرده و در نهایت پنج دیدگاه عمده پیرامون روند توسعه در جهان را فراروی مخاطبان خویش قرار می‌دهد. هدف کتاب نشان

دادن این واقعیت است که هر سه مکتب فکری به رغم انتقادات جدی بر آن‌ها در سالهای پایانی قرن بیستم همچنان پویا و فعال هستند. هر سه مکتب با تأمل پیرامون انتقادات و تجدیدنظر و بازسازی در نگرش اولیه خود به حیاتی دوباره دست یافته‌اند.

همچنین کتاب «**تاریخچه برنامه ریزی توسعه در ایران**» (آل یاسین، ۱۳۹۲) به تاریخچه ای از برنامه‌ریزی توسعه در ایران اشاره نموده و مباحثی همچون نظم اداری و اجتماعی، بهره‌وری نهاد های مدنی، رشد اقتصادی و بوروکراسی منظوم کشورهای میزبان با زمینه های مشابه ایران به ویژه نابسامانی اجتماعی، کندی پیشرفت اجتماعی، کندی پیشرفت توسعه، اقتصاد ناپایدار، کم کاری نهادهای مدنی، بوروکراسی ناکارآمد، سلطه اقتدارگرایی و خودکامگی، فقدان کارکرد سیستم به جای فرد و منش و خلیات نامطبوع ایرانی را تشریح کرده است.

در پژوهش «**ارزیابی شیوه برنامه نویسی توسعه در ایران**» (خاندوزی، ۱۳۸۹) پس از مروری بر رویکردهای موجود در بحث توسعه و شیوه‌های برنامه ریزی کلان، تلاش شده که شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های برنامه‌های توسعه در ایران، تجربه برنامه‌ریزی در جهان و ایران به ویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد. از منظر پژوهشگران ارزیابی‌ها مؤید وجود چهار دسته چالش محتوایی و فرایندی در مسیر تحقق برنامه‌های توسعه در ایران است

**در ادامه به جمع بندی مطالعات و پژوهشهای انجام گرفته در حوزه توسعه خواهیم پرداخت.**

عنوان	مؤلف یا مترجم	رویکرد تحقیقاتی
ارزیابی پارادایمی برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران	یمان، ۱۳۹۲	ارزیابی برنامه های توسعه
جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ	عنبی، ۱۳۹۰	مبانی نظری توسعه
توسعه در مکاتب متعارض	ساعی، ۱۳۹۴	مبانی نظری توسعه
تغییر اجتماعی و توسعه	حبیبی مظاهری، ۱۳۹۴	مبانی نظری توسعه
تاریخچه برنامه ریزی توسعه در ایران	آل یاسین، ۱۳۹۲	بررسی تاریخی توسعه در ایران
فراتحلیلی بر آسیب شناسی های برنامه های توسعه در ایران	مکتون، بهرامی، ۱۳۹۳	آسیب شناسی برنامه های توسعه
ارزیابی شیوه برنامه نویسی توسعه در ایران	خاندوزی، ۱۳۸۹	ارزیابی برنامه های توسعه
آسیب شناسی برنامه های توسعه در ایران	-	آسیب شناسی برنامه های توسعه
مجموعه قوانین و مقررات برنامه های پنج ساله اول تا پنجم : توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛	طیبی توکل، ۱۳۹۰	شناخت برنامه های توسعه
گزارش اقتصادی و عملکرد برنامه های پنج ساله توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی	سازمان مدیریت و برنامه ریزی	شناخت برنامه های توسعه
برنامه ریزی شهری و منطقه ای، ترجمه	هاله پیتر (۱۳۸۱) تبریزی	شناخت مبانی توسعه و برنامه ریزی
مجموعه مقالات همایش سیاستها و مدیریت برنامه های رشد و توسعه در ایران تهران	موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲	شناخت مبانی توسعه و برنامه ریزی
کتاب مجموعه مقالات همایش لایحه برنامه چهارم توسعه؛	بشر مشاوران، ۱۳۸۳	شناخت مبانی توسعه و برنامه ریزی
آسیب شناسی برنامه های توسعه اقتصادی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	تاج، عظیمی، ۱۳۸۸	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
برنامه ریزی توسعه و عمران روستایی در ایران، از فکر تا عمل	رضوانی، ۱۳۷۹	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه

دلائل ناکامی برنامه ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی	طالب و عنبری، ۱۳۸۴	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
آسیب شناسی برنامه های توسعه اقتصادی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی		نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
برنامه های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر نواحی روستایی	قدیری معصوم و نجفی کانی، ۱۳۸۲	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
توسعه اقتصادی در جهان سوم	تودارو مایکل، فرجادی، ۱۳۶۷	بررسی مبانی و مفاهیم توسعه
«اسلام و توسعه»، تهران	اختر شهر	بعد دینی و اسلامی توسعه
فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی	خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱	بعد دینی و اسلامی توسعه
رویکرد دینی به آرمان توسعه یافتگی و مقایسه آن با توسعه غربی	ظهیری، ۱۳۸۰	مقایسه تطبیقی الگوی دینی و غربی توسعه
توسعه به مثابه آزادی	سن آمارتیا/ راغفر، ۱۳۸۱	مبانی و مفاهیم توسعه
اسلام و توسعه اقتصادی	نظریور و علوی، ۱۳۸۳	بعد دینی و اسلامی توسعه
کتاب دولت و توسعه اقتصادی در ایران	مصلی نژاد، ۱۳۹۵	مبانی و مفاهیم توسعه
دستاوردهای بین المللی انقلاب اسلامی	امامی زواره‌ای، ۱۳۹۳	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
دولت و توسعه اقتصادی اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولتهای توسعه گرا	دلفروز، ۱۳۹۳	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
مبانی عدالت اجتماعی با تأکید بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت	سیدباقری	ارائه الگوی بومی پیشرفت
توسعه در مکاتب متعارض	ساعی، ۱۳۹۴	بعد اجتماعی توسعه
خرد سیاسی در زمان توسعه نیافتگی	داوری اردکانی	ارائه الگوی بومی پیشرفت
تغییر اجتماعی و توسعه	آلوین و حبیبی مظاهری	بعد اجتماعی توسعه
رهیافتی به توسعه اقتصادی توأم با عدالت	مخبر، ۱۳۹۴	ارائه الگوی بومی پیشرفت
تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران	عباسی، ۱۳۹۰	بعد تاریخی تمدنی پیشرفت
توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی	لولیائی و صادقی اردستانی، ۱۳۸۷	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	سیاهپوش	پیشرفت در نگاه مقام معظم رهبری
بوروکراسی و توسعه در ایران (نگاهی تاریخی - تطبیقی)	فقیهی و دانایی فرد، ۱۳۹۰	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
از فرهنگ تا توسعه: توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی	فکوهی، ۱۳۹۲	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
از توسعه علمی تا توسعه ملی	لطیف، ۱۳۸۸	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
چهارمین موج توسعه علمی - فناوریانه و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن در ایران	پایا و کلانتری نژاد، ۱۳۹۰	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
هویت و الگو: درنگی در هویت ایران امروز و الگوی اسلامی بومی تمدنسازی	کوشکی، ۱۳۹۲	بعد فرهنگی توسعه و پیشرفت
آسیب شناسی توسعه اقتصادی در ایران	مصلی نژاد، ۱۳۸۴	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
فرآیند سیاست گذاری عمومی در ایران	قلی پور، غلام پور آهنگر، ۱۳۸۹	مبانی برنامه ریزی و سیاست گذاری کلان
ارتباطات توسعه در جهان سوم	فرهنگی، ۱۳۹۰	بررسی ابعاد بین المللی توسعه
توسعه و تضاد	رفیع پور، ۱۳۷۷	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران	تربابی، ۱۳۸۸	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
کتاب های نشست اندیشه های راهبردی		-
بررسی و نقد توسعه در ایران از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت	اسماعیل شیرعلی	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
آسیب شناسی تهدیدات نرم اقتصادی در برنامه های توسعه ای	یوسفی نژاد، ۱۳۹۲	نقد و ارزیابی برنامه های توسعه
ظرفیت های تمدنی انقلاب اسلامی ایران	رشیدی نژاد	ظرفیتهای برنامه ریزی بومی در توسعه

### ۳- تبیین نظری مفهوم «توسعه»

برای «توسعه»، هم از حیث مفهومی، و هم از جهت اهداف، تعاریف متنوعی ارائه شده و هر کس کوشیده از زاویه یا زوایای خاصی به تعریف و تبیین آن پردازد. در مغرب زمین فکر و اندیشه توسعه در سده‌ی روشنگری (رنسانس)

بروز و ظهور یافت و نشانه‌های آن، در عصر انقلاب صنعتی آشکار شد. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، مسأله توسعه به‌عنوان یکی از مهمترین مسائل در محافل دانشگاهی و نیز مراکز برنامه‌ریزی کشورهای مختلف جهان مطرح شد و از آن جایی که جهان پیشرفته و همچنین کشورهای عقب‌مانده در نتیجه دو جنگ جهانی و نیز فروپاشی دولت‌های استعماری، در آستانه‌ی طراحی مجدد بنای اقتصادی و اجتماعی کشورهای خود قرار گرفته بودند، لذا این مسئله که چگونه می‌توان ضمن سریع‌تر بناکردن این نظام اقتصادی و اجتماعی، بهبود و تکامل واقعی آن‌را نهادینه کرد، در معرض توجه قرار گرفت؛ که این مسأله را می‌توان مسأله مرکزی و اساسی توسعه دانست. (توکل، ۱۳۸۱: ۱۱). مفهوم توسعه پس از جنگ جهانی دوم به‌عنوان جادوی دگرگونی مطرح و در فاصله‌ای کوتاه محبوبیت پیدا کرد. تصور بر این بود که این پدیده می‌تواند جوامع را به سوی ساحل نجات هدایت کند با فرض چنین اهمیتی توسعه به‌عنوان یکی از اهداف آرمانی جوامع و در عین حال از جمله پیچیده‌ترین مفاهیم جامعه‌شناختی است که طی زمان، معانی و هم‌هم‌چنین رویکردهای آن دست‌خوش تحول شده است (سر، ۱۳۸۰: ۳۱). واژه توسعه در لغت به معنای خروج از «لفاف» است. در قالب نظریه نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند. در باب این مفهوم، توصیفات و معانی متعدد وجود دارد که گاهی در تضاد با یکدیگر تصور می‌شوند. ریشه‌ای ترین تعریف این عبارت، همان معنای بیولوژیک و طبیعی آن است که از این منظر، واژه توسعه به گونه‌ای استعاری و مجازی برای اشاره به رشد طبیعی گیاهان و حیوانات به کار می‌رود. انتقال این استعاره زیست‌شناختی به حوزه اجتماعی در ربع آخر قرن هجدهم رخ داد. (عنبری، ۱۳۹۰: ۱۰). توسعه در لغت به معنای گسترش دادن و از نظر اندیشه‌وران علوم اقتصادی و اجتماعی، جریانی چند بُعدی و به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است (تودارو، ۱۳۶۹: ج ۱: ۲۳). کلمه «توسعه» یا «Development»، از ابتدا در مقابل کلمه «Envelopment» مطرح گردید. «Envelop» کردن به معنای مخفی کردن یک واقعیت است. در حالیکه «Develop» به معنای آشکار کردن و عیان ساختن و بسط دادن آن است. بنابراین توسعه به معنای آشکار کردن یا برملا کردن ساختن چیزی است که در ذات یک واقعیت وجود دارد. این معنای رایج توسعه در انگلستان بود تا اینکه با انقلاب صنعتی بعد از دهه ۱۸۵۰ این درک تغییر یافت. دوره صنعتی شدن، معنای کاملاً جدیدی به به واژه توسعه بخشید. در این زمان، واژه توسعه به به معنای حرکت از یک سطح یا حالت مادون به سطح یا حالت برتر پذیرفته شد. (طالب، ۱۳۸۹: ۲۴۳). در این زمان کلی‌ترین اما معنادارترین تعریف

از توسعه همان تعریفی است که هویارت ارائه می‌دهد: « توسعه مترادف تغییرات اجتماعی و اقتصادی کم و بیش برنامه‌ریزی شده است». (عبری، ۱۳۹۰: ۱۰ به نقل از برنر، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

#### ۴- مبانی بنیادین حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قانون اساسی به عنوان میثاق ملی

جمهوری اسلامی ایران، دارای مبانی و اصول بنیادینی می‌باشد که به نوعی شکل دهنده هویت نظام مدیریتی و حکمرانی کشور و رهنمون سیاستگذاران و حکمرانان به سمت افق آینده این مسیر تاریخی می‌باشد. یکی از منابع اصلی که میتوان به منظور شناخت آرمانهای این انقلاب، مورد نظر قرار گیرد توجه به اندیشه‌های بنیانگذاران و رهبران این حرکت و همچنین مطالعه اسناد و قوانین ملی کشور خصوصا قانون اساسی به عنوان میثاق ملی می‌باشد که در این بخش مدنظر قرار خواهد گرفت. قانون اساسی بالاترین سند حقوقی کشور است که به نوعی تعیین کننده ساختار سیاسی، سلسله مراتب و اصول بنیادین اداره‌ی کشور و حقوق شهروندان و حاکمان را مشخص نموده و قوانین جزئی دیگر که توسط نهادهای قانون گذاری تصویب می‌شوند نباید با قانون اساسی تداخل داشته باشند و اولویت در این گونه موارد همیشه با قانون اساسی است. ابتدای اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی اسلامی است که به نوعی نشان دهنده وجه **اسلامیت** قانون اساسی است، به طوریکه در این قانون آمده است که «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است».<sup>۱</sup> از سویی دیگر در جای جای قانون اساسی، تاکید فراوانی بر نقش و مشارکت مردم شده که نمایانگر وجه **جمهوریت** نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به طوریکه در قانون اساسی آمده است که «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رییس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد».<sup>۲</sup> بر اساس متن قانون اساسی قوای حاکم بر جمهوری اسلامی ایران این گونه تبیین شده است که «قوای حاکم در جمهور اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند».<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

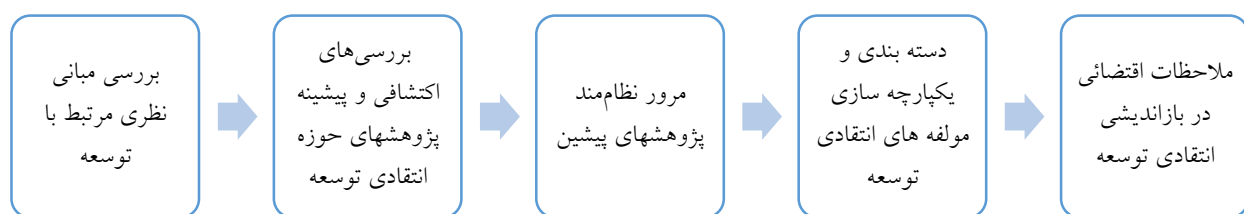
<sup>۲</sup> اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۳</sup> اصل پنجاه و هفت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



## ۵- روش پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر روش اسنادی بوده که در این روش با مراجعه به اسناد و کتب و مقالات مختلف، آراء و نظرات مطرح در زمینه پاسخ به سوالات تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. روش اسنادی روشی کیفی است که پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام نماید. (صادقی فسایی، عرفان‌منش، ۱۳۹۴) در این بخش به مراحل علمی اجرای روش اسنادی اشاره خواهد شد (صادقی فسایی، عرفان‌منش، ۱۳۹۴). ۱- انتخاب موضوع، تعیین اهداف و سوالات ۲- بررسی‌های اکتشافی و پیشینه پژوهش ۳- انتخاب رویکرد نظری ۴- جمع‌آوری منابع، نمونه‌گیری و تکنیک‌های بررسی منابع ۵- بهره‌گیری از تکنیک‌های بازخوانی منابع ۶- پردازش، نگارش و گزارش پژوهش. در همین راستا در پژوهش حاضر نیز بر اساس فرآیند و مراحل روش اسنادی در قالب نمودار زیر گردآوری و تحلیل به انجام رسیده است که در ادامه مشاهده می‌نمایید:



جدول ۱- خلاصه فرآیند و مراحل روش پژوهش اسنادی

## ۶- یافته‌های پژوهش: بررسی انتقادی مفهوم توسعه در چارچوب مبانی معرفتی نظام حکمرانی

### جمهوری اسلامی ایران

#### ۶-۱- محوریت «اقتصاد» در برنامه‌ریزی‌ها و غفلت از ابعاد فرهنگی و اجتماعی در نظام حکمرانی

طرح شدن رشد اقتصادی به عنوان موتور محرکه توسعه و معیار توسعه‌یافتگی جوامع، موجب گردید که نقش سایر ساحت‌های جامعه از جمله فرهنگ و اقتضائات بومی ملل دنیا در این زمینه نادیده گرفته شود و نه تنها برای آن اهمیتی قائل نشده بلکه بیشتر به عنوان یکی از عوامل توسعه‌یافتگی سایر ملل غیرغربی از آن یاد شود. این نگرش که به توسعه اقتصادی یا «رشد محور» معروف است، عمدتاً حاصل تلاش اقتصاددانان کلاسیک توسعه است. آنها توسعه را با ابعاد کمی و فیزیکی آن تعریف می‌کنند. این مکتب بر مفاهیم رشد اقتصادی، انباشتگی سرمایه، سیاست‌های

تجارت آزاد، بازارهای آزاد و تصمیم‌گیری فردی متمرکز است. (عنبری، ۱۳۹۰: ۵۹). دوپوئی و تودارو با تأکید بر رشد اقتصادی، توسعه را «فرایند و پدیده‌ای اقتصادی و تکنولوژیک» می‌پندارند. که خود را در افزایش سرانه یا کل تولید ناخالص ملی به شکل مشاغل و سایر امکانات اقتصادی ضروری نشان می‌دهد... این مکتب کاملاً متأثر از اندیشه لیبرالی توسعه است، که اقتصاددانان کلاسیک از جمله آدام اسمیت و ریکاردو آن را بسط داده‌اند (همان).

تا قبل از دهه‌ی هفتاد میلادی، در ادبیات رایج توسعه، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، جایگاهی درخور نداشت و عوامل اقتصادی، محور مباحث توسعه را تشکیل می‌داد؛ اما در دهه‌ی هفتاد به بعد، بسیاری از نظریه‌پردازان چنین نگرشی را برناتافته و به ارزشی بودن توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرویده‌اند. توسعه که پیش از این، امری صرفاً اقتصادی و مساوی با رشد تولید ملی تلقی می‌شد، پس از آن، در کنفرانس‌های سازمان ملل متحد، عوامل دیگری مانند عوامل فرهنگی، مورد عنایت قرار گرفت و چگونگی توزیع منابع رشد، در کانون توجه واقع شد (نظریه‌پرداز، ۱۳۷۸: ۱۲). با چنین پنداشتی توسعه به عنوان یک فرایند، آشکارا به بسیج برنامه‌ریزی شده منابع و تکنولوژی عمومی و خصوصی در راستای رشد اقتصادی مربوط دانسته می‌شد و از منظر رفاه و بهزیستی، گزاره «ثروت بیشتر به خوشبختی بیشتر افراد می‌انجامد»، اصلی پذیرفته شده تلقی می‌گردید (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸). از پس تجربیاتی از این دست، ذهن صاحب نظران توسعه متوجه این واقعیت شد که هر چند در فرایند توسعه، رشد اقتصادی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ اما چیزی جز وسیله‌دستیابی به اهداف دیگر نیست (سن: ۱۳۷۴). امروزه اهدافی که برای توسعه در نظر گرفته می‌شوند اهدافی صرفاً اقتصادی نیستند بلکه اهداف سیاسی اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرند و به جرأت می‌توان گفت که دیگر هیچ نظریه‌پرداز توسعه بر تک‌بعدی بودن توسعه تأکید ندارند. هرهدفی که برای توسعه در نظر گرفته می‌شود هدف‌های اجتماعی و فرهنگی را دربر خواهد داشت، زیرا حداقل بخشی از جامعه مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پیامدهایی را به دنبال دارد. براین اساس برای دسته‌بندی نظرات توسعه، چند شیوه وجود دارد به طور کلی می‌توان گفت که در برهه‌ای از زمان و پس از جنگ جهانی دوم نظریات اقتصادی صرف که بدنبال شناخت الگوهای رشد اقتصادی بود، بر این عرصه حاکمیت داشت. پس از یک برهه، دیدگاه نوسازی (مدرنیزاسیون) که در نظریه‌های جامعه‌شناسان ساختارگرایی - کارکردگرایی ریشه داشت و نظریه‌پردازانی معروفی چون اسپنسر، تونیس، امیل دورکهایم، سوروکین و به طور خاص تالکوت پارسونز در آن نقش داشتند، به صورت مبنای نظری مباحث توسعه درآمد. این دیدگاه جوامع را به طور عمده دو دسته سنتی و مدرن تقسیم می‌کرد و در صدد یافتن راه تبدیل جوامع سنتی به مدرن بود. بر اثر عدم توفیق‌های ناشی از عمل به

برخی از این مکاتب، مکتب وابستگی ظهور کرد که عوامل خارجی را بیشتر در عدم توسعه کشورهای جهان سوم موثر می دانست. نهایتاً دیدگاه مبتنی بر صورت بندی اجتماعی ظهور کرد که ترکیب عوامل داخلی و خارجی را منشأ توسعه نیافتگی می پنداشت (حمزه پور، ۱۳۸۸: ۸۳).

## ۶-۲- «توسعه اجتماعی»، گفتمانی انتقادی بر توسعه اقتصادی در نظام حکمرانی

توسعه اجتماعی از جمله مفاهیم پر مناقشه در ادبیات جامعه‌شناسی توسعه بوده که به دلیل گستردگی برداشت از مفهوم جامعه و متغیرهای کلیدی در آن شاهد تعاریف متعددی پیرامون این مفهوم هستیم. استس (۲۰۰۱) توسعه اجتماعی را یک حوزه میان‌رشته‌ای و میان‌بخشی در جستجوی بهزیستی مادی و اجتماعی مردم در همه سطوح جامعه تعریف می‌نماید که این تعریف بیانگر دو نکته است: اول، تأمین رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی از طریق تأمین آن نیازها و دوم، افزایش سطح آزادی که با رشته انتخاب‌هایی که مردم می‌توانند داشته باشند اندازه‌گیری می‌شود. به زعم وی اهداف توسعه اجتماعی از طریق مشارکت مردم تا بالاترین حد ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه تعقیب می‌شوند. توسعه اجتماعی دو بعد مرتبط به هم دارد: یکی توسعه ظرفیت مردم برای کار مداوم جهت رفاه آن‌ها و جامعه و دوم: تغییر یا توسعه نهادهای اجتماعی، به گونه‌ای که نیازهای بشری را در تمامی سطوح به ویژه در پایین‌ترین سطح، از طریق یک فرآیند بهبود در روابط بین مردم و نهادهای سیاسی اجتماعی، رفع نماید (دیوب، ۱۳۷۷: ۸۴). توسعه اجتماعی از جمله مفاهیمی است که متناسب با دیدگاه‌ها و مکاتب متفاوت توسعه معانی مختلفی را در بر داشته است. این مفهوم با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد دینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش، و چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد. بر این مبناست که گفته شده منظور از توسعه اجتماعی اشکال متفاوت کنش متقابلی است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد (از کیا، غفاری، ۱۳۹۰: ۴۷). در برخی تعاریف، توسعه اجتماعی یک سیاست اجتماعی معطوف به توزیع ثروت، رفاه، بیمه عمومی و تأمین اجتماعی خوانده می‌شود (عنبری، ۱۳۹۰: ۳۶۰).

## ۶-۳- تقابل بین سنت و مدرنیته

اگر به محتوای تعاریف سه اصطلاح توسعه، مدرنیته و جامعه صنعتی توجه کنیم، در عمل می‌بینیم که هر یک جزئی یا استعاره‌ای از دیگری هستند. در واقعیت، منطقی برای جدا کردن این سه مفهوم از یکدیگر وجود ندارد. از آنجا

که مفهوم توسعه، در پیوند با تحولات به هم پیوسته عمیق اجتماعی در جوامع اروپا زاده شده، تجزیه این ابعاد و تاکید بر بعدی از آن، همراه با غفلت از ابعاد دیگر توسعه، در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، آثار و عوارض زیانباری داشته است. به عقیده گیدنز در مفهوم مدرنیته، تضاد با سنت نهفته است. گیدنز بر نویسندگانی که سنت و مدرنیت را تفکیک پذیر نمی دانند و هر گونه مقایسه ای را بین این دو مفهوم بی ارزش می شمارند، خرده می گیرد و این نوع نگاه را کاملاً بی اساس و نادرست می انگارد. معمولاً جامعه مدرن چیزی در مقابل جامعه سنتی تعریف می شود، اما منظور گیدنز از جامعه مدرن چیزی است که منحل کننده سنت است (بک، ۱۹۹۴: ۵۹). مدرنیته متأخر بر مبنای سه فرآیند به هم وابسته است: جهانی شدن، بازاندیشی اجتماعی و سنت زدایی. گیدنز ویژگی های زندگی جدید همچون مصرف گرایی، خوش بینی، افزایش سطحی نگری، حس شدن فرهنگ و ... را می پذیرد؛ ولی این ها را از نشانه های تشدید مدرنیت می داند. مهم ترین تقابل برای گیدنز تقابل فرهنگ سنتی و پسا سنتی است و به اعتقاد او جامعه امروز هر روز پسا سنتی تر می شود. بازاندیشی که از مهم ترین عناصر در جامعه مدرن است، ضد سنت عمل می کند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۸۷). تونیس در تبیین جوامع سنتی و پیشرفته تحت عنوان گمین شافت<sup>۴</sup> یا اجتماع (مهر پیوند) و جامعه یا گزل شافت<sup>۵</sup> (سود محور) می گوید: در اجتماعات گمین شافت ما بر من تفوق داشته و خصوصیت آن زندگی صمیمانه با دیگران است برخلاف آن در گزل شافت فرد گرایی و رابطه پولی خصوصیت اصلی است. جهان گزل شافت جهان هابزی است و آدمی دیگران را به عنوان عضوی از اعضای خود نمی پذیرد، بلکه به آنان چونان ابزاری در راه رسیدن به مقصود خویش می نگرد (از کیا و غفاری، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

## ۶-۴- توسعه و فرآیند تدریجی تغییرات اجتماعی

از توسعه به عنوان فرآیند تدریجی تغییرات اجتماعی یاد شده است. که این تعریف ناشی از دگرگونی های ناشی از انقلاب صنعتی در قرن هفدهم می باشد. در تعریف توسعه یا نوسازی گی روشه چنین می گوید: کلیه کنش هایی است که به منظور سوق دادن جامعه ای به سوی تحقق مجموعه ای از شرایط زندگی جمعی و فردی صورت می گیرد، که در ارتباط با بعضی ارزش ها مطلوب تشخیص داده شده است (همان، ۱۶۶). در تفسیر این تعریف در ادامه گی روشه این نکته را ذکر می کند: به طور کلی صحبت از مفهوم نوسازی یا توسعه، لزوماً قضاوتی است ارزشی که با ارزش های معینی ارتباط دارد (گی روشه، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

<sup>۴</sup> Gemeinschaft

<sup>۵</sup> Gesellschaft

در اینجا معیار قضاوت‌های ارزشی جوامع غربی بوده و هر جامعه‌ای برای ارزیابی پیشرفت خویش می‌بایست خود را با جوامع پیشرفته و جوامعی که به عنوان مدل‌هایی ارزشمند و قابل قبول تر تلقی می‌شوند مقایسه کند (همان). بروس کوئن آغاز دگرگونی و تغییر در جامعه را ناشی از اشاعه ویا ابداع می‌داند که در اشاعه یک سبک زندگی جدید در جامعه که از یک فرهنگ خارجی اقتباس شده باشد رواج پیدا کرده، وجود ارزش‌های جامعه مخالف با تغییرات و دگرگونی در جامعه را از عوامل کندی سرعت تغییرات عنوان می‌کند (کوئن، ۱۳۸۶: ۴۸۴). همانطور که پیش‌تر اشاره رفت فرایند توسعه دارای بار ارزشی مخصوص به خود بوده که نشئت گرفته از فرهنگ و زیست‌بوم کشورهای غربی، ارزش‌های توسعه برپایه فردگرایی، اصالت لذت و سود، گسترش آزادی‌های فردی و پاره‌ای دیگر از شاخصه‌ها بوده که عمدتاً اشاعه دهنده مسائل فرهنگی کشورهای غربی بوده است. نظریه پردازان اولیه توسعه مانند روستو و شومپتر این ارزش‌ها را غایی و عام دانسته و هر آنچه در مقابل این جریان قرار گرفته را مانع رشد و پیشرفت جوامع معرفی کرده‌اند. فلذا در ادبیات توسعه ارزش‌های سنتی در جوامع توسعه نیافته و یا در حال توسعه مغایر با دست‌یابی به اهداف توسعه عنوان شده است.

## ۶-۵- تنازع معرفتی مفهوم «توسعه» با مبانی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران

در ادبیات توسعه یافتگی و راهبردهای توسعه مبتنی بر دئیسم، شکاکیت یا انکار خداوند، اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه، و تفسیر خاصی از سعادت انسان و جامعه، تفسیر و تعیین می‌شود (میر معزی، ۱۳۹۱: ۹۵). نکته غیر قابل انکاری که در تعاریف فوق وجود دارد این است که این ادبیات از یک طرف روح تجدد با ارزش‌های سنتی و دینی تضاد و تعارض داشته و از سوی دیگر الگوی توسعه بر مبنای غربی شدن را فرمول عام، ضروری و حتمی برای بشریت دانسته می‌شود. الگوی سکولاریزم، سودآوری نامحدود، صنعتی شدن نامحدود، دولت‌سالاری، حاکمیت مطلق بخش خصوصی، فردگرایی مطلق، دنیاپرستی، اینها به نظر می‌آید محصولات فکری سیاسی، اقتصادی یک نوع توسعه یافتگی هستند که در بعضی از کشورهای غربی یا جهان سوم به وجود آمده‌اند (سریع القلم، فرهنگ توسعه شماره ۳: ۱۲). عقلانیت حاکم بر گفتمان توسعه که نظم اجتماعی خاص خود را در بردارد از نوع ابزاری بوده که از آن به «کنش منطقی» یاد شده که در نظریات ماکس وبر و ویلفرد پاره تو به خوبی تعریف شده است. در تحلیل سیر تاریخی شکل‌گیری تفکر مدرن مذاقه شود شاهد یک نوع چرخش گفتمانی در موضوع تفکر خواهیم بود. به طوریکه خود انسان به عنوان ابژه شناخت در دوران مدرن محوریت پیدا می‌نماید. (ابطحی، بی‌تا، ۸۹-۹۰). کوزنتس مبانی توسعه اقتصادی

غربی را سه عامل می‌داند: سکولاریسم، ناسیونالیسم و مساوات طلبی. منظور او از «سکولاریسم» دنیاگرایی و اهمیت یافتن زندگی مادی بر روی زمین است. یکی دیگر از ابعاد سکولاریسم از دیدگاه کوزنتس، خردگرایی و تجربه‌گرایی و مبارزه با تقدیرگرایی و خرافه پرستی است. مقصود او از مساوات طلبی برابری اقتصادی و عدالت نیست، بلکه او آزادی در برابری طبیعی، حقوقی و سیاسی را مورد نظر دارد؛ می‌گوید: در اصل، هیچ گونه تفاوت طبیعی بین افراد بشر وجود ندارد، مگر آن که این تفاوت‌ها خود را در جریان فعالیت‌های انسانی نشان دهند. مقصود او از ناسیونالیسم نیز احساس وابستگی به یک گروه و یا سرزمین است که این گروه یا جامعه میراث فرهنگی و تاریخی مشترک دارند (کوزنتس، ۱۳۷۲: ۱۷). اغلب نظریه پردازان توسعه دیدگاه مثبتی نسبت به فرهنگ دینی و مذهبی نداشته و آن را مانع پیشرفت و پیشبرد اهداف توسعه قلمداد می‌کردند و روند سکولاریزه شدن جوامع را به عنوان شرط لازم توسعه معرفی می‌کردند. روستو، نوسازی را مستلزم معرفی شدن می‌داند؛ به این معنا که بروز دگرگونی در مذهب و جای‌گزینی خرد به جای مناسک و امور دینی لازمه و مقدمه توسعه است. در نظر او، انسان نوین خرد خود را به عنوان ابزار اولیه درک و تنظیم زندگی خویش به کار می‌بندد و این یک جنبه حیاتی برای نوسازی است (لاور، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

## ۶-۶- نگرش خطی به توسعه و جهانشمول پنداشتن ارزشهای غربی

یکی دیگر از اشکالات جدی بر الگوهای توسعه مطرح، وامداری آنها به تمدن غرب و پیش فرض قرار دادن ارزش‌های غربی به عنوان ارزش‌های اصیل و جهانشمول است. خلق دوگانه توسعه یافته و توسعه نیافته با بار ارزشی که مضمون توسعه در دل خود دارد باعث ارائه یک تصویر تحقیرآمیز از جوامع غیر غربی توسعه نیافته به عنوان یک کشور عقب مانده شده است که غالباً موجبات رنجش خاطر مردمان این جوامع نیز گردیده است. نادیده گرفتن ارزش‌ها و هنجارهای این جوامع و ارائه فرهنگ و سبک زندگی غربی - آمریکایی به عنوان فرهنگ معیار این قومداری در نظریه‌های توسعه را تشدید نموده است. سعی نظریه پردازان توسعه‌ای غرب مدار این بوده که توسعه نتایج مثبتی را برای جهان اجتماعی داشته است. پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود، عبارت است از اینکه دنیای توسعه یافته چگونه خواهد بود؟ پاسخ این پرسش را نمی‌دانیم، ولی به احتمال قوی چنین دنیایی هم ملال آور و هم پرمخاطره خواهد بود، زیرا توسعه را نمی‌توان از این اندیشه جدا کرد. از همان ابتدا، هدف پنهان توسعه چیزی جز غربی کردن جهان نبوده، نتیجه این امر، کاهش وحشتناک تنوع و گوناگونی بوده است. ساده‌سازی معماری، لباس، اشیاء روزمره در سراسر دنیا بیشتر ملاحظه می‌شود، از میان رفتن گوناگونی زبان‌ها، آداب و رسوم، حرکات و موارد دیگر کمتر دیده می‌شود و

یکسان‌سازی آرزوها و رؤیاهای عمیقاً در ضمیر ناخودآگاه جوامع ریشه دوانده است. یکنواختی فرهنگی مانند هر یکنواختی دیگری نه تنها بیهوده، بلکه خطرناک نیز است. این یکنواختی گونه‌های بیشمار هستی انسانی را از میان برده و جهان را از تحرک و سرزندگی محروم کرده است: «توسعه باعث نابودی دیگری شده است» (زاکس، ۱۳۷۷: ۹-۱۰). همه محققان علوم اجتماعی و سیاسی، جدای از مخالفت یا موافقت با ایده توسعه، غرب‌گرایی اندیشه توسعه را می‌پذیرند. زمینه شکل‌گیری این حوزه فکری موجب شده است که «توسعه غربی و امریکایی، الگویی مطمئن و مناسب برای سایر ملل جهان» تصور گردد (همان). خطی فرض کردن توسعه در نظریات اولیه توسعه از جمله اشکالات دیگر این الگوها بوده است. اینکه سایر ملل جهت رسیدن به پیشرفت و سطح زندگی مناسب راهی جز پیمودن مراحل توسعه که در غرب افتاده است را ندارند و منحصر می‌بایست مسیر غربی را در توسعه بپیمایند. در دیدگاه خطی، توسعه همیشه حرکتی به سوی مدل غربی است و کشورها برای دست‌یافتن به توسعه، راهی جز آن که غرب رفته است ندارند، مطابق این مفروض، در جهان یک راه رشد بیشتر وجد ندارد و آن راهی است که در غرب اتفاق افتاده است و عین آن هم در سایر کشورها تکرار خواهد شد. بنابراین، باید منتظر فروپاشی جامعه سنتی در کشورهای در حال توسعه بود (الکس، ۱۹۷۴، به نقل از اختر شهر، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

## ۶-۷- محوریت رویکرد رفاه اقتصادی در برنامه‌ریزی‌ها

رویکرد رفاه اقتصادی، مصرف کالاها و خدمات را اساس زندگی بهتر می‌داند و شاخص آن را نیز «درآمد واقعی» معرفی می‌کند و باور داشت که درآمد واقعی تعیین‌کننده میزان مصرف افراد از کالاها و خدمات است، بنابراین این رویکرد به نیازهای روحی و معنوی و نیز پرورش ظرفیت‌های ذهنی انسان در فرایند توسعه توجهی نداشت. از منظر رفاه و بهزیستی، گزاره «ثروت بیشتر به خوشبختی بیشتر افراد می‌انجامد»، اصلی پذیرفته شده تلقی می‌گردید (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸). رویکرد «نیازهای اساسی» نیز زندگی بهتر را در تأمین حداقل نیازهای مادی و غیرمادی یعنی مجموعه‌ای از حداقل کالاها و خدمات معرفی می‌کرد. این رویکرد نیز به گسترش ظرفیتهای مادی و غیرمادی انسان در فرایند توسعه بی‌توجه بود اما نکته کانونی و محوری نظریه توسعه انسانی، بسط انتخاب‌های انسان براساس خواست خود است که در وضعیت توسعه‌یافتگی اتفاق می‌افتد. آمارتیا سن در تبیین انسان‌محور بودن توسعه با نقل کلامی از پیتر بائر براساس مبانی فکری لیبرالیسم، مفهوم واقعی توسعه را گسترش آزادی واقعی میدانند و در توضیح آن می‌نویسد: «هدف عمده برای توسعه اقتصادی، گسترش دامنه انتخاب یعنی افزایش دامنه گزینه‌های مؤثر در دسترس مردم است (سن، ۱۳۸۱، ص ۱۷-۲). رویکرد توسعه انسانی که داعیه دار نقد توسعه اقتصاد محور است نیز

شاهد جانبداری از ارزش‌های سکولاریستی هستیم به طوری‌که نسبتی با مداخله دین در ساحت مدیریت جامعه و نظام سازی دینی نیستیم. محتوای «توسعه انسانی متعارف» سکولار است؛ یعنی نسبت به دین و ارزش‌های دینی بی تفاوت است. اگر جامعه دیندار باشد، محتوای توسعه نیز تا حدودی دینی خواهد شد اما نظام و نهادهای اصلی این جامعه همچنان غیردینی خواهد بود (جهانیان، ۱۳۹۱: ۵۰).

## ۶-۸- نقد پساتوسعه ها بر مفهوم توسعه

هر چند در ادامه حیات الگوهای توسعه و در نقد الگوهای توسعه اولیه و رایج مکاتب انتقادی و به اصطلاح پسا توسعه بوجود آمد که بر بستر مدرنیستی شکل دهنده نظریات توسعه نقدی جدی وارد نموده و بسیاری از مبانی نظری توسعه رازیر سؤال برده، لکن این پارادایم نیز بر اصول پست مدرنیستی بنا شده است که پذیرش نسبیّت، عدم قطعیت، و تکثر معرفتی جزو اصول مسلم آن می‌باشد. پس مدرنیسم را می‌توان واکنشی در مقابل فلسفه مدرنیسم دانست. برخلاف اندیشمندان مدرنیستی مثل دکارت، کانت، هگل که روی فاعل شناسا، عقل‌گرایی بی‌قید و شرط، استعلا، حقائق مطلق، یا قوانین عام و کلی وحدت شخصیت و پیشرفت خطی تکیه می‌کردند، پست‌مدرنها تحت تأثیر کسانی چون نیچه، هایدگر، وینگشتاین، با رد باورهای مذکور، روی نسبی‌گرایی، بی‌اعتباری فرا روایت‌ها یا نظریه‌های عام و فراگیر، عدم قطعیت، تفاوت، گسستگی، پراکندگی و فقدان معنای نهایی تکیه می‌کنند (بزرگی، ۱۳۷۶: ۱۴۶). در منطق پساتوسعه، بر ایده‌هایی مانند توجه به دانش بومی، مخرب دیدن توسعه غربی برای جهان سوم، جهان پساغربی، تکثر زیاد، زندگی ساده، جهان غیر سرمایه‌داری و غیره بنیان یافته است. به نحوی روشن‌تر، اندیشه پساتوسعه‌گرایی «شیوه تفکر و شیوه زندگی ایجاد شده توسط مدرن را رد می‌کند، با این هدف که برداشت‌های فرهنگ‌ها و فلسفه‌های غیرمدرن و غیرغربی را احیا نماید. از این نظر توسعه مدرن غربی، مخرب است تا سازنده و باید به جای استقبال از آن، در مقابل آن ایستاد (عنبری، ۱۳۹۰: ۱۶۶). در اندیشه پساتوسعه‌گرایان، توسعه تهدیدی برای استقلال و آزادی جهان غیرغربی و زمینه پیدایش سرخوردگی‌های انسان بوده است. در ادبیات پسا ساختارگرایی، توسعه به عنوان یک گفتمان ویژه درک می‌شود. توسعه روایتی است که به گونه‌ای اجتماعی ساخته شده و به واسطه منافع و علائق معینی حمایت شده است (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰۳).



اصطلاح توسعه به معنای امروزی مفهوم کلان و ذو ابعاد بوده و محصول یک تحول بنیادین اندیشه و عمل تاریخی غرب در دوره بعد از رنسانس در تلقی جدید از خدا و دین و دنیا است، وجود تفاوت های معرفتی در این تلقی با تمدن های دیگر و جهت گیری غربی الگوهای توسعه مبتنی بر این مبانی باعث وجود تعارضات ارزشی در کشورهای هدف و یاب اصطلاح توسعه نیافته شده که به نفی ارزشهای سنتی و فرهنگی این کشورها و متعاقب آن بروز تنش ها و چالش های مختلف گردیده است. تفاوت اصلی و مبنایی اندیشه اسلامی با مبانی معرفتی توسعه و توسعه اجتماعی در اندیشه مدرن غربی، به جهان بینی دو دیدگاه باز می گردد. اسلام به عنوان دین خاتم و کامل، جهان بینی پویا و متحوالی به پیروان خویش عرضه می دارد و آنان را از عقایدی برخوردار می سازد که چشم انداز زندگانی فردی و اجتماعی مسلمانان را از رشد و توسعه ای بهره مند می سازد که با جهان بینی آنان و عقاید اسلامی منطبق بر فطرت سازگار باشد. انسان یکی از اساسی ترین عوامل تولید، از ظرفیت علمی بالایی برخوردار است که خلیفه و جانشین خداوند بر زمین معرفی شده است (اخترشهر: ۱۳۸۷). چون هسته اصلی توسعه تنعم دنیایی است و همه چیز در دنبال آن مطرح می شود، اساس توسعه بر خودبنیادی انسان است و پیامدهای نگاه توسعه، تقلیل روابط انسانی است و تا وقتی ما به دنبال توسعه هستیم این روابط کاهش می یابد (کچویان، ۱۳۸۷: ۵۱). هدف نهایی توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، توسعه معنویت و دستیابی انسان به قرب الهی است البته در این راه، رشد اقتصادی مستقل، اشتغال زا، عادلانه، مشارکتی و پایدار رفاه انسانی را نیز رقم میزند (جهانیان، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱-۲۶۵) در تلقی مدرن از توسعه، از حیث وجود شناختی، عالمی غیر از عالم ماده و مادیات یا مورد توجه نیست یا وجود ندارد؛ فی الواقع آنچه قابل مشاهده، آزمایش و تجربه نیست، وجود ندارد. از این رو، توسعه ی غربی نوعی توسعه ی سکولار است. درحالی که در فرهنگ اسلامی نه هستی در ماده خلاصه می شود، نه انسان در جسم و نیازهای جسمانی و طبیعی اش محصور و محدود می ماند و نه دین و خدا به حاشیه رانده می شود؛ بلکه در این تلقی، خدا و دین از مبانی اندیشه ای پیرامون توسعه است. در واقع، در فرهنگ اسلامی خدا امری پیشینی است و توسعه امری پسینی؛ بر خلاف غرب که توسعه امری پیشینی است و خدا امری ما تأخر و پسینی. نگرش اسلام به آخرت نزد معتقدان به آن با توضیح ماتریالیسم شناخته می شود؛ چرا که چیزها به وسیله ضدهایشان شناخته می شوند؛ بنابر این عامل زندگی دنیوی آدمی حقیقتی پذیرفته شده است، اما مسلمانان با پرهیز از دنیاگرایی، ضمن بهره مندی از مواهب دنیوی، از ماتریالیسم در ابعاد مختلف باز می دارد. (رک، جعفری:

با توجه به مرور ادبیات انجام شده میتوان مولفه های انتقادی نسبت به توسعه با توجه به مفهوم مدرنیته را در جدول زیر

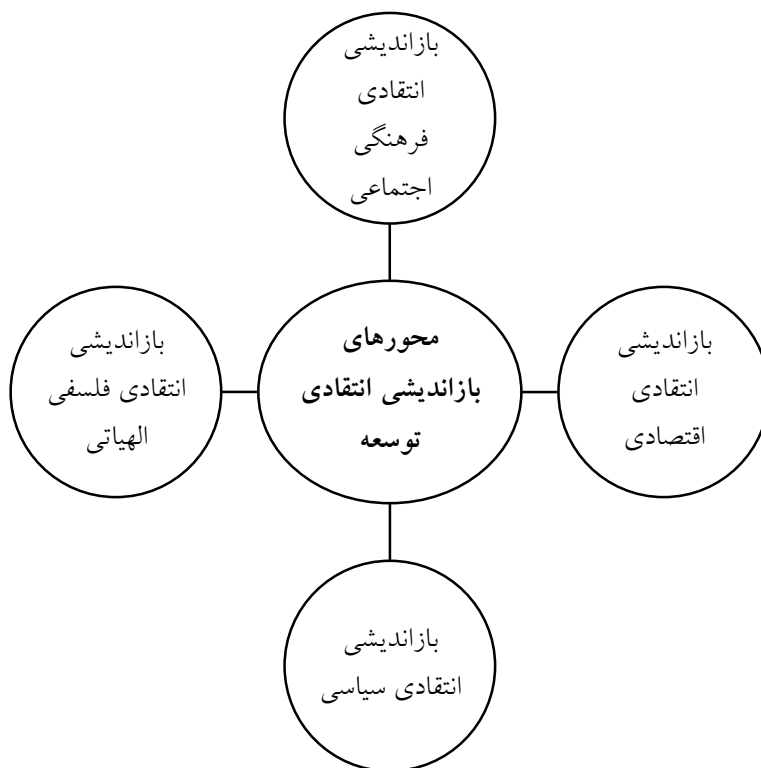
جمع بندی نمود.

شماره	مولفه های انتقادی نسبت به مفهوم توسعه (با تاکید بر مفهوم مدرنیته)	منبع
۱	جهانی شدن، بازناندیشی اجتماعی و سنت زدایی. مصرف گرایی، خوش بینی، افزایش سطحی نگری، حسی شدن فرهنگ	(گیدنز، ۱۳۸۴: ۸۷).
۲	قرار گرفتن فرد گرایی و رابطه پولی به جای زندگی صمیمانه با دیگران	تونیس (از کیا و غفاری، ۱۳۸۵: ۱۵۷).
۳	سبک زندگی جدید در جامعه مقتبس از فرهنگ خارجی	(کوئن، ۱۳۸۶: ۴۸۴)
۴	شکاکیت یا انکار خداوند، اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه، و تفسیر خاصی از سعادت انسان و جامعه	(میر معزی، ۱۳۹۱: ۹۵).
۵	سکولاریزم، سود آوری نامحدود، صنعتی شدن نامحدود، دولت سالاری، حاکمیت مطلق بخش خصوصی، فرد گرایی مطلق، دنیا پرستی	(سریع القلم، فرهنگ توسعه شماره ۳، ۱۲).
۶	چرخش گفتگمانی در موضوع تفکر، اندیشه اصالت بشر (اومانسیم)	(ابطحی، بی تا، ۸۹-۹۰).
۷	قرار گرفتن علم اقتصاد متولی برنامه ریزی اجتماعی برای انسان (بجای فلسفه)	(غفاری، ۱۳۹۴: ۲۶).
۸	بسیج برنامه ریزی شده منابع و تکنولوژی عمومی و خصوصی در راستای رشد اقتصادی، گزاره «ثروت بیشتر به خوشبختی بیشتر افراد می انجامد»	(غفاری و امیدوی، ۱۳۸۸)
۹	سکولاریسم، ناسیونالیسم و مساوات طلبی	(کوزنتس، ۱۳۷۲: ۱۷)
۱۰	عقل گرایی، انسان گرایی، لیبرالیسم، فرد گرایی، آزادی، برابری، کارگزاری تاریخی انسان، داعیه معرفت انسان و اصل ترقی و پیشرفت بی حد و حصر، نفی جامعه سنتی	(بشیری، بی تا، ۴۵۴-۴۴۸)
۱۱	دید منفی نسبت به فرهنگ دینی و مذهبی و مانع پنداشتن دین در قبال پیشرفت و پیشبرد اهداف، جایگزینی خرد به جای مناسک و امور دینی	(لاور، ۱۳۸۵: ۱۲۲)
۱۲	مبانی نظری غیر اقتصادی؛ مانند غلبه دنیا گرایی، خداشناسی طبیعی (دنیسم)، اومانسیم، خرد گرایی ذره ای (اتمیسیم)، تجربه گرایی، فرد گرایی ملکی، فرد گرایی اخلاقی (اصالت لذت، اصالت فایده)، نسبی گرایی اخلاقی، جدایی دین از سیاست، ناسیونالیسم و آزادی به عنوان عالی ترین هدف. ۲- مبانی نظری اقتصادی توسعه غربی؛ مانند مالکیت خصوصی، آزادی اقتصادی، مداخله نداشتن دولت در امور اقتصادی و مسأله توزیع	(جهانیان، ۱۳۷۷: ۱۱۶).
۱۳	عرفی شدن (سکولاریسم)، ایجاد استقلال و خودرأیی در وجدان و رفتار فردی نسبت به تجویزات و مقررات دینی، خروج بخش هایی از جامعه و فرهنگ از سلطه نمادها و نهاد دین	(ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۳۹). (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۲۱-۳۵). (برگر، ۱۹۶۷: ۱۲۷، به نقل از مرشدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶)
۱۴	اومانسیم، زمزمه شکاکانه طرد و تخطئه انواع صور دین، ستایش از خرد آدمی و تأکید بر آزادی خردورزی در اندیشه و عمل، هدف قرار دادن خود زندگی به جای آرزوی زندگی در جهان آینده	(فو کو: ۱۳۷۰: ۵۱) (باربور، ۱۳۸۵: ۷۵-۷۸). (پراون، ۱۳۹۳: ۲۳۰).
۱۵	تجربه گرایی (پوزیتیویسم)، انکار وجود هر نوع دریافت اشراقی یا ادراک عقلانی کلی، اصالت ذره و جزئی نگری، روش تجربی آزمایشگاهی تنها روش ادراک امور، هر نوع قضیه معرفت شناسانه را که از طریق روش حسی تجربی قابل مطالعه نباشد، مهمل و یا غیر علمی است، اساس رویکرد علوم جدید (اعم از علوم طبیعی یا علوم انسانی) پوزیتیویستی است.	«جان لاک» (۱۷۰۴) و «دیوید هیوم» (۱۷۷۶) و «اگوست کنت» (۱۸۵۷)
۱۶	یکنواختی فرهنگی، «توسعه غربی و امریکایی، الگویی مطمئن و مناسب برای سایر ملل جهان»، و امداری ملل جهان به تمدن غرب و پیش فرض قرار دادن ارزش های غربی به عنوان ارزش های اصیل و جهانشمول	(زاکس، ۱۳۷۷: ۹-۱۰).
۱۷	خطی فرض کردن توسعه، تصور اینکه در جهان یک راه رشد بیشتر وجد ندارد و آن راهی است که در غرب اتفاق افتاده است و عین آن هم در سایر کشورها تکرار خواهد شد، فروپاشی جامعه سنتی در کشورهای در حال توسعه	(الکس، ۱۹۷۴، به نقل از اختر شهر، ۱۳۸۶: ۱۰۷) / (جابری، ۱۳۸۰).
۱۸	نبردی بر ضد سنت گرایی، ساخت های فتودالی و ادیان آخرت گرا، تصور اینکه ارزش های سنتی و نهادهای مذهبی و اجتماعی قدیمی موانع تحول و توسعه	(آقاجانی، ۱۳۷۹).
۱۹	گسترش آزادی مفهوم واقعی توسعه	آمارتیا سن (سن، ۱۳۸۱، ص ۱۷-۲۲)

۲۰	محوّر قرار گرفتن مفهوم تنعم دنیایی، خود بنیادی انسان اساس توسعه، تقلیل روابط انسانی پیامد نگاه توسعه	(کجویان، ۱۳۸۷: ۵۱).
۲۱	انسان یکی از اساسی ترین عوامل تولید، از ظرفیت علمی بالایی برخوردار است که خلیفه و جانشین خداوند بر زمین معرفی شده است	(اخترشهر: ۱۳۸۷).
۲۲	هدف نهایی توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، توسعه معنویت و دست یابی انسان به قرب الهی است که البته در این راه، رشد اقتصادی مستقل، اشتغال زا، عادلانه، مشارکتی و پایدار رفاه انسانی را نیز رقم میزند	(جهانیا، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱-۲۶۵)
۲۳	انسان جدا از خدا فاقد هویت، ضرورت توجه به ساحت جسمانی و ساحت روحانی انسان، جایگاه حق و تکلیف در زندگی انسان، نظام معرفت شناسی اسلام	(نبوی، ۱۳۸۶).
۲۴	عاطفه گرایی شدید یکی از مؤلفه های تجددگرایی، انسانی که در بستر توسعه ی برآمده از تجددگرایی تربیت می شود، شدیداً عاطفه گراست، یعنی: «احساسات و عواطف را خاستگاه همه ی افعال اخلاقی و یگانه داور خوبی و بدی و درستی و نادرستی می داند»	(ملکیان، ۱۳۸۱: ۴۰۴).
۲۵	مچاله و بی جان شدن اخلاقیات اصیل و انسانی در پنجه های علم و تکنیک	(باقی، ۱۳۹۰: ۱۴۲)

جدول ۲- مولفه های انتقادی نسبت به مفهوم توسعه (با تاکید بر مفهوم مدرنیته)

با توجه به مباحث طرح شده و گردآوری مولفه های انتقادی مفهوم توسعه محورهای بازاندیشی انتقادی مفهوم توسعه در ۴ دسته بندی بازاندیشی انتقادی فرهنگی اجتماعی، بازاندیشی اقتصادی، بازاندیشی انتقادی سیاسی و بازاندیشی فلسفی الهیاتی قابل طرح و تقسیم بندی می باشد که در نمودار زیر مشاهده مینمایید.



شکل ۱- محورهای بازاندیشی انتقادی توسعه

در هر کدام از ابعاد نمودار نیز مولفه های بازانديشي انتقادي طرح گريده است كه در جدول زير قابل مشاهده مي باشد.

جدول ۱- مولفه های بازانديشي انتقادي مفهوم توسعه با تاكيد بر ملاحظات معرفتي حكمراني در ايران

مولفه های بازانديشي انتقادي مفهوم توسعه با تاكيد بر ملاحظات معرفتي حكمراني در ايران	محورهای بازانديشي انتقادي
<ul style="list-style-type: none"> <li>• يكنواختي فرهنگي</li> <li>• «توسعه غربي و امريكايي، الگويي مطمئن و مناسب براي ساير ملل جهان»</li> <li>• سنت زدائي</li> <li>• افزايش سطحي نگري</li> <li>• حسي شدن فرهنگ</li> <li>• ناسيوناليسم و مساوات طلبي</li> <li>• فروپاشي جامعه سنتي در كشورهاي در حال توسعه</li> <li>• مصرف گرايي</li> <li>• قرار گرفتن فرد گرايي و رابطه پولی به جای زندگی صميمانه با ديگران، خوش بيني كاذب</li> <li>• سبك زندگي جديد در جامعه مقتبس از فرهنگ خارجي</li> <li>• عرفي شدن (سكولاريزم)</li> <li>• فردگرايي مطلق</li> <li>• تقليل روابط انساني</li> </ul>	<p>باز انديشي انتقادي فرهنگي اجتماعي توسعه در نظام حكمراني</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• قرار گرفتن علم اقتصاد متولي برنامه ريزي اجتماعي براي انسان (بجای فلسفه)</li> <li>• سود آوري نامحدود</li> <li>• صنعتي شدن نامحدود</li> <li>• دولت سالاري</li> <li>• حاكميت مطلق بخش خصوصي</li> <li>• دنياپرستي، بسيج برنامه ريزي شده منابع و تكنولوژي عمومي و خصوصي در راستاي رشد اقتصادي</li> <li>• محوريت مباني نظري اقتصادي توسعه غربي مانند مالكيت خصوصي، آزادي اقتصادي، مداخله</li> <li>• نداشتن دولت در امور اقتصادي</li> <li>• تنعم دنيايي هسته اصلي توسعه</li> </ul>	<p>بازانديشي انتقادي اقتصادي در نظام حكمراني</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• جدائي دين از سياست</li> <li>• ناسيوناليسم و آزادي به عنوان عالي ترين هدف</li> <li>• وامداري ملل جهان به تمدن غرب و پيش فرض قرار دادن ارزش هاي غربي به عنوان ارزش هاي اصيل و جهانشمول</li> <li>• خطي فرض كردن توسعه، تصور اينكه در جهان يك راه رشد بيشتر وجد ندارد و آن راهي است كه در غرب اتفاق افتاده است و عين آن هم در ساير كشورها تكرر خواهد شد</li> </ul>	<p>بازانديشي انتقادي سياسي در نظام حكمراني</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• شكاكيت يا انكار خداوند</li> <li>• اصالت ماده</li> <li>• اصالت تجربه و تفسير خاصي از سعادت انسان و جامعه</li> </ul>	<p>بازانديشي انتقادي فلسفي الهياتي در نظام حكمراني</p>

- اندیشه اصالت بشر (اومانیسم)
- چرخش گفتمانی در موضوع تفکر
- داعیه معرفت انسان و اصل ترقی و پیشرفت بی حد و حصر
- دید منفی نسبت به فرهنگ دینی و مذهبی و مانع پنداشتن دین در قبال پیشرفت و پیشبرد اهداف
- جایگزینی خرد به جای مناسک و امور دینی
- غلبه دنیاگرایی بر معنماحوری
- تجربه گرایی
- فردگرایی ملکی
- فردگرایی اخلاقی (اصالت لذت، اصالت فایده)
- نسبی گرایی اخلاقی
- ایجاد استقلال و خودرأیی در وجدان و رفتار فردی نسبت به تجویزات و مقررات دینی
- خروج بخش هایی از جامعه و فرهنگ از سلطه نمادها و نهاد دین
- زمزمه شکاکانه طرد و تخطئه انواع صور دین
- ستایش از خرد آدمی و تأکید بر آزادی خردورزی در اندیشه و عمل
- هدف قرار دادن خود زندگی به جای آرزوی زندگی در جهان آینده
- تجربه گرایی (پوزیتیویسم)
- انکار وجود هر نوع دریافت اشراقی یا ادراک عقلانی کلی
- اصالت ذره و جزئی نگری

## ۹- پیشنهادات و راهکارها

با توجه به دسته بندی و احصای ابعاد و مولفه های بازانديشی انتقادی مفهوم توسعه ناظر به نظام مدیریتی، برنامه ریزی و خط مشی گذاری اقتضائی کشور پیشنهادات زیر ارائه میگردد :

- تقویت زیرساختها و مطالعات در حوزه نظریه پردازی با تاکید بر بهره گیری از مبانی نظری و معرفتی ایرانی اسلامی
- ایجاد و حمایت از مراکز تحقیقاتی و کانون های تفکر موثر در حوزه های نظری مفهوم توسعه با رویکرد بومی و اقتضائی
- تقویت و حمایت از همایش ها، نشستها و کنگره های فعال در حوزه های مفهومی و نظری مفهوم توسعه با تاکید بر نگرش اسلامی ایرانی پیشرفت
- الزام تهیه پیوست های تخصصی برنامه های ملی و منطقه ای توسعه به منظور توجه به ملاحظات فرهنگی و اقتضائی ملی
- کارآمدسازی نظام برنامه ریزی توسعه در کشور با بهره گیری از زمینه های معرفتی و هویتی ناظر به زیست بوم اجتماعی فرهنگی ایران
- تقویت جایگاه اندیشکده ها و کانون های تفکر دانش بنیان در راستای نقش آفرینی در حوزه کارآمدسازی فرآیند خط مشی گذاری در عرصه های مختلف برنامه ریزی توسعه در کشور با تاکید بر ظرفیتهای معرفتی و دینی

- آقاجانی، نصراله (۱۳۷۹)، اسلام و توسعه، *فصلنامه معرفت*، شماره ۳۹
- آل یاسین، احمد (۱۳۹۲)، تاریخچه برنامه ریزی توسعه در ایران، انتشارات سمر
- ابطحی، سیدمصطفی، بی تا، توسعه؛ ابهام مفهومی، مبانی معرفتی و الگوی دینی و بومی، *فصلنامه راهبرد پاس*، سال اول - شماره دوم، ص ۸۱-۱۰۴
- اختر شهر، علی (۱۳۸۶)، *اسلام و توسعه*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۲
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، انتشارات کیهان
- ازکیا، مصطفی، احمدرش، رشید و حسین دانش مهر (۱۳۹۲)، *توسعه و مناقشات پارادایمی جدید*، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان
- استس، ریچارد (۱۳۷۹)، روند توسعه اجتماعی جهان، ۱۹۷۰ - ۱۹۹۵؛ چالش های توسعه برای قرون جدید، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۵۶ و ۵۷، ص ۱۳۲-۹۱
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۲)، ارزیابی پارادایمی برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باربور، ایان (۱۳۸۵)، *علم و دین*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- براون، کالین (۱۳۹۳) *فلسفه و ایمان مسیحی*، ترجمه میکائیلیان،
- برگر، پیتر ال و توماس لاکمن (۱۳۷۵)؛ *ساخت اجتماعی واقعیت*؛ ترجمه فریبرز مجیدی، نشر مرکز
- باقی، عبدالرضا (۱۳۹۰)، تأملی در معنا و مبانی توسعه غربی و توسعه اسلامی - ایرانی، *فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی* دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا، شماره هفتم، ص ۱۲۵-۱۵۸
- تودارو، مایکل (۱۳۶۹)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه: غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ج ۱
- توکل، محمد (۱۳۸۱)، *موانع توسعه*، تهران، وزارت امور خارجه، چاپ اول
- جهانیان، ناصر (۱۳۸۶)، بنیادهای توسعه اقتصادی عادلانه در اسلام، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*
- جهانیان، ناصر (۱۳۹۱)، نقد الگوی توسعه انسانی و پیشنهادات راهبردهای اصلاحی، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۴۶
- چیرا م. ع.، ۱۳۸۳/ *اسلام و توسعه اقتصادی*؛ مترجم: محمد تقی نظریور و سید اسحاق علوی، انتشارات دانشگاه مفید.
- چلکوت، رونالد (۱۳۷۷)، *نظریه های سیاست های مقایسه ای*، ترجمه: وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی
- حمزه پور، علی (۱۳۸۸)، مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، *فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی*، شماره ۷ و ۸، بهار و تابستان
- خاندوزی سید احسان. ارزیابی شیوه برنامه‌نویسی توسعه در ایران (۸۸-۱۳۶۸). فصلنامه برنامه ریزی و بودجه. ۱۳۸۹؛ ۱۵ (۱): ۹۹-۱۲۷
- خسروشاهی، پرویز، ۱۳۹۸، *ارزیابی عملکرد برنامه های توسعه یی*، «ارایه شده در اولین همایش منطقه یی دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه ی چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴».
- خلیلیان اشکدری، محمد جمال، (۱۳۸۱)، *فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی*، قم، موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)
- رابرت اچ. لاور، *دیدگاه هایی درباره دگرگونی اجتماعی*، انتشارات دانشگاه اصفهان
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۷۹)، برنامه ریزی توسعه و عمران روستایی در ایران، از فکر تا عمل (ارزشیابی اساسی درباره محتوی و عملکرد برنامه های توسعه در چند دهه اخیر)، *فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی*، شماره ۳۹، اسفند ماه، صص ۶۵-۷۷
- روشه، گی (۱۳۹۰)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی
- زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷)، *نگاهی نو به مفاهیم توسعه*، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
- ساعی، احمد (۱۳۹۴)، نظریه‌های توسعه و توسعه‌نیافتگی، انتشارات علوم نوین
- سر، آ. (۱۳۸۰)، *تغییر اجتماعی و توسعه*، ترجمه: م. حبیبی مظاهری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- سن، آمارتیا (۱۳۸۲)، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه: وحید محمودی، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

سنگوینا، آرجون (۲۰۰۲)، **حق توسعه در نظریه و عمل**، ترجمه دکتر منوچهر توسلی جهرمی، ۱۳۸۳، مجله حقوقی، شماره ۳۰، صص ۲۵۰-۱۷۹  
صادقی فسایی، سهیلا، عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۴). مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده  
ایرانی. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۸(۲۹)، ۶۱-۹۱.

ظهوری سید مجید، ۱۳۸۰، رویکرد دینی به آرمان توسعه یافتگی و مقایسه آن با توسعه غربی، **مجله اندیشه**، سال هفتم، شماره سوم، آذر و دی ۱۳۸۰.  
عباسی، ابراهیم (۱۳۱۳)، **دولت پهلوی و توسعه اقتصادی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول  
عبری، موسی (۱۳۹۰)، **جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ**، تهران، انتشارات سمت  
عظیمی، حسین (۱۳۷۷)، **مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران**، نشر نی،  
عبری، موسی (۱۳۹۰)، **جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ**، تهران: انتشارات سمت.  
عمید زنجانی، عباسعلی بی (تا). **مبانی اندیشه سیاسی اسلام**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.  
غلامی نتاج، سعید و میکائیل عظیمی (۱۳۸۸)، **آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی**، معاونت  
پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

غفاری، غلامرضا (۱۳۹۴)، **آسیب‌شناسی و ناپایداری توسعه اجتماعی در ایران**، **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۲۲، صص ۲۵-  
۵۰

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی توسعه**، چ پنجم، تهران: انتشارات کیهان  
غفاری، غلامرضا و رضا امید (۱۳۹۰)، **کیفیت زندگی**، شاخص توسعه اجتماعی، تهران، نشر شیرازه  
غلامپور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۴)، **آشنایی با مفهوم توسعه اجتماعی**، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
فوکو، میشل (۱۳۷۰)، **درباره روشنگری چیست کانت**، ترجمه: همایون فولادپور، نشریه کلک، شماره ۲۲  
فیروز آبادی، سید احمد و همکاران (۱۳۸۹)، مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رتبه‌بندی آن با توسعه اجتماعی، **فصلنامه  
رفاه اجتماعی**، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۹۳-۵۷.

قدیری معصوم، مجتبی و نجفی کانی، علی اکبر، «برنامه‌های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر نواحی روستایی»، **نشریه پژوهش  
های جغرافیایی**، بهار ۱۳۸۲، صص ۱۲۱-۱۱۱.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴)، **نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی**. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی  
کلاتری، خلیل (۱۳۷۷)، مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی، **ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، مؤسسه اطلاعات، شماره ۱۳۲ - ۱۳۱/صفحات  
۲۱۳ - ۲۰۸

کوئن، بروس (۱۳۸۶)، **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چ هجدهم، تهران: انتشارات سمت  
کوزنتس، (۱۳۷۲)، **رشد نوین اقتصادی**، ترجمه: مرتضی قره باغیان، مؤسسه خدماتی فرهنگی رسا  
گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰)، **پیامدهای مدرنیت**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز  
طالب، مهدی و موسی عبری (۱۳۸۴) **دلایل ناکامی برنامه ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی**، **فصلنامه علمی پژوهشی نامه علوم اجتماعی**  
شماره

طالب، مهدی و همکاران (۱۳۹۰)، **جامعه‌شناسی روستایی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران  
میر معزی، سید حسین (۱۳۹۱)، **کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**، چ دوم، تهران: انتشارات پیام  
عدالت

نظریبور، محمدنقی (۱۳۷۸)، **ارزشها و توسعه**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول  
ویلم، ژان پل (۱۳۷۷)، **جامعه‌شناسی ادیان**، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، تیبان  
هاله پیتر (۱۳۸۱)، **برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای**، ترجمه جلال تبریزی، تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به  
شهرداری تهران)

- ✓ Beck, Ulrich & Giddens, Anthony & Lash, Scott (1994), *Reflexive Modernization. Politics, Tradition and Aesthetics in the Modern Social Order*, **Stanford**: Stanford University Press, p:59
- ✓ Grix, Jonathan. (2002). "Introducing students to the Generic terminology of social research". *Politics*. Volume 22. Issue
- ✓ Gustavo Esteva, "*Development*", in *The Development dictionary: a guide to knowledge as power*, ed. Wolfgang Sachs, London: Zed Books, 1992;p:123
- ✓ Rennie, John Keith. (2002). *World Bank Social Development Strategy*. Washington Dc.WB.
- ✓ Thin, N., Good, T. & Hodgson, R. (1998). *Social Development Policies Result and Learning: Experiences from European Agencies*. UK Social Development Division.